

# شهر، مقیاس و عناصر آن

کامران افشار نادری



از کتاب تهران، کار نصرالله کسرائیان

لحاظ عملکرد، محل قرارگیری و فرم، متمایز و درک شهر نیز آسان بود. امروزه این سه مشخصه صورتی غامض و گاه متناقض دارند. همه شاهدیم که بسیاری از کوچه‌های مسکونی کم‌عرض نقش مهم شریاتی را ایفا می‌کنند و به تردد سراسری شهر اختصاص می‌یابند. به طور مثال اتصال بزرگراه صدر به کامرانیه از طریق خیابانهای فرعی محلات مسکونی صورت می‌پذیرد در حالیکه بسیاری از خیابانهای نسبتاً عریض عملکردی محلی دارند. میدانها و خیابانها، بر خلاف قدیم، بیشتر محل تردد هستند تا توقف و عملاً به لحاظ عملکرد، تفاوت قطعی و مشخص بین خیابان، بزرگراه، میدان و پل وجود ندارد. حتی در عمل تمایزی میان به

دخالت در امور شهرسازی لازم است عناصر را بشناسیم. روش اتخاذ شده و نوع اقدام، نسبت به اینکه چه برداشتی از عناصر شهر داشته باشیم، تغییر می‌کند. اگر امروز از ما پرسند عناصر شهر کدام هستند ممکن است پاسخ دهیم خانه‌ها، بزرگراهها، خیابانها، میدانها، پلها، مغازه‌ها، مدرسه‌ها... اما در واقع اینها عناصر شهر نیستند بلکه اسامی مربوط به شهر هستند. در این گونه پژوهشها زبان و واژگان اولین مانع در راه ایجاد پیوند صحیح بین عینیت و ذهنیت هستند. چرا که برای مثال اگر منظور عملکرد باشد بین خیابان، میدان و بزرگراه چندان تفاوتی وجود ندارد. در گذشته هر عنصر شهری نظیر بازار، مسجد، خانه، حصار، آب انبار و غیره به

در مقاله‌ای تحت عنوان "اسطوره و واقعیت در شهر" در شهر ۲ از دو طریق وارد شدن به شهر و مسائل آن سخن گفتیم: از روش القائی و روش استنتاجی و از این که روش القائی شهرسازی سعی دارد واقعیت شهر را با کلیشه‌ها و تصوراتی ذهنی تطبیق دهد و از همین رو عموماً "باشکست روپرو می‌شود، در حالی که روش استنتاجی به جای نفی واقعیت سعی در درک آن و درس گرفتن از آن دارد. از این شماره با اتخاذ این روش به طرح موضوع تشخیص عناصر شهر در شهری در مقیاس تهران می‌پردازیم.

ضیعی است که پیش از هر گونه اقدام و

اصطلاح خیابانهای تجاری و مسکونی وجود ندارد. در تهران اغلب خیابانهای مسکونی تاحدی نیز تجاری هستند. از طرف دیگر از نظر کالبدی بین ساختمانهای مسکونی، تجاری و اداری عموماً تفاوت چندانی به چشم نمی‌خورد.

با توجه به این شرایط برای شناسایی عناصر اصلی شهر ناچاریم تصورات قدیمی و واژه‌های مصطلح را کنار بگذاریم و مستقیماً به خود شهر نگاه کنیم. در یک عکس هوایی مقیاس یک ده هزارم به سرعت عناصر شهر امروز شناسایی می‌شوند.

### معايير اصلی

معايير اصلی خیابانهای عریض و طولانی و محل تردد اصلی و سفرهای درون شهری و وسیله‌ای برای رفتن از نقطه‌ای به نقطه دیگر هستند. به دلیل فقدان سازماندهی شهری و فقدان فضاهای تجاری وسیع و متناسب با ابعاد شهر، حاشیه این معاير استعداد تبدیل شدن به فعالیتهای تجاری تک صنفی را یافته‌اند (پدیده بورس). لاله زار بورس لوازم الکتریکی است، جمهوری بورس لوازم منزل، سهروردی بورس کابینت آشپزخانه، ولی عصر بورس پوشاک، انقلاب بورس کتابفروشی و... معاير اصلی در هر حال دیگر خیابان به معنای فضای شهری نیستند. معاير اصلی در بهترین شرایط نوعی فروشگاه بزرگ خطی هستند که ماشين از وسطشان عبور می‌کند.

### توده ساختمانهای فرد

در نگاه از بالا اختلاف چندانی بین ساختمانهای مختلف اداری، تجاری و مسکونی وجود ندارد. اینبه‌عموماً دارای ابعاد کوچک و نامتناسب با وسعت تهران هستند، با تفاوت‌های بی‌شمار، گرچه بی اهمیت. عنصری برجسته، تمایز یا مفصل بندی مشخصی در آنها به چشم نمی‌خورد و ساختمانهای کوچک‌ها بافت پیوسته و ریزنقشی را تداعی می‌کنند که همه جارا در بر گرفته است.

### فضاهای باز وسیع

در میان توده پیوسته ساختمانی گشایشهای وسیع تهران نظیر پارکها و زمینهای بایر خود نمایی می‌کنند که جزو عناصر مهم و غیر ساختمانی شهر هستند. اینها در واقع فضاهای عمومی شهر را تشکیل می‌دهند (یا استعداد تبدیل شدن به آن را دارند). پارکها تاحدی از نظر زندگی اجتماعی شهری جایگزین بازار و میدان قدیمی شده‌اند.

### برجها

برجها تنها عناصر ساختمانی برجسته آن هم در بخشهایی از شهر تهران هستند. در این بخشها بقیه ساختمانهای حکم متن را دارند و بین برج و توده ساختمانی رابطه شنی و متن موجود است. امروز تفاوت بین برجهای اداری، تجاری و مسکونی به حداقل رسیده است. برجهای مسکونی در شهرکها و مجموعه‌های مسکونی طبق نظم مشخص چیده شده‌اند و برجهای منفرد نیز زیاد هستند.

چنانکه مشاهده می‌شود نسبت به گذشته عناصر شهر خلاصه‌تر شده‌اند. در مقابل کاهش کیفی، یعنی کاهش تنوع عناصر شهری، شاهد افزایش کمی آنها هستیم. بلزترین جنبه شهر تهران وسعت و ابعاد رشد آن است. این کمیت که جایگزین کیفیت می‌شود در سطح خاصی می‌تواند مولد کیفیتی جدید گردد. پارادوکس تهران همین نکته است که مهمترین کیفیت این شهر کمیت آن است. توجه به این مسئله اهمیت زیادی دارد. مغازه‌های خیابان ولی عصر را در فاصله بین میدان ولی عصر و خیابان شهید مطهری در نظر بگیریم. این مغازه‌ها به تنهایی جذاب نیستند ولی ردیف چند صد مغازه کنار هم و سوسه‌انگیز می‌شود و کسی دیگر به نمای دودزده ساختمانهای، کانالهای کولر، خرپشته‌های زشت و آنتهای تلویزیون توجه نمی‌کند. بازارچه گلستان از بسیاری از پاساژهای کوچکتر اطراف جذاب‌تر و پرمشتری‌تر است زیرا کمیتی قابل توجه و درخور مقیاس شهر دارد. بسیاری از اقدامات شهر سازی امروز به لحاظ نوع اقدام اشتباه نیستند بلکه از نظر سطح برخورد و مقیاس کوچک هستند.

اگر به مورد فعالیت تجاری توجه کنیم متوجه می‌شویم شهر در رشد خودرو و برنامه‌ریزی نشده‌اش به افزایش کمیتهای تمايل دارد. پدیده بورس مصداق این نکته است. 'خیابان - بورس' دارای این خاصیت است که به شهروند اطمینان می‌دهد آنچه را نیاز دارد قطعاً پیدا می‌کند. به همین دلیل است که به نظر می‌رسد تهران به مجموعه‌های تجاری بسیار بزرگ نیاز دارد. مجموعه‌هایی که در مقیاس شهر باشند و شهر و ندان را از مراجعه به نقاط مختلف شهر واقعاً بی‌نیاز کنند، مجموعه‌هایی با صدها فروشگاه، دهها سینما و رستوران، چندین مرکز ورزشی، فرهنگی و تفریحی. اداره پست، بانکها، آژانسهای مسافرتی و بیمه و کلیه خدمات نظیر اینها نیز می‌توانند در این مجموعه‌ها ادغام شوند. اینها مصداق امری بازار قدیمی خواهند بود: فضای شهری به مفهوم کامل آن. با توجه به شرایط آب و هوایی و آلودگی روز افزون هوا چنین مراکزی باید سرپوشیده و دارای هوای کنترل شده و تصفیه شده باشند. از این طریق می‌توان به مقدار زیادی رفت و آمد ماشینی در سطح شهر را نیز کاهش داد.

چنانکه مشاهده می‌شود منظور ما حذف عناصر یا کاربری‌هایی در سطح شهر نیست بلکه بحث تعبیر مجدد عناصر شهری و سعی در همراه کردن اقدامات با ویژگی‌های طبیعی شهر است: آموختن از واقعیت و سعی در تبدیل ضعفها به ارزش، توجه مداوم به دو مشخصه زمانی و مکانی و سعی در درک روحیه و معنای عمیق پدیده‌های روزمره.

در شماره‌های بعد به عناوین دیگری از جمله سیمای شهر، ساختار شهر و ویژگیهای تهران خواهیم پرداخت.